

تطبیق و تحلیل منظومه تسبیح کربلا با

روایت تاریخی ابن قتیبه

فاطمه جمالی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، اصفهان
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۲/۰۲، تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۰۲/۲۱)

چکیده

داستان‌های عاشقانه به عنوان مهم‌ترین بخش متون غنایی، سهم قابل توجهی از گستره زبان و ادب فارسی را به خود اختصاص داده‌اند. مطالعات انجام شده در حوزه ادب غنایی نشان می‌دهد که سابقه این داستان‌ها به آغاز شعر فارسی و آثاری چون آفرین‌نامه بوشکور بلخی، ورقه و گلشاه عتیوقی و وامق و عذرای عنصری، بازمی‌گردد. کسب آگاهی در زمینه متون غنایی، عشاق ادب فارسی و آشنایی با صاحبان این آثار چندان دشوار نمی‌نماید؛ زیرا در این زمینه فراوان قلم‌فرسایی‌هایی شده است. در این میان، متون غنایی با رویکرد مذهبی و اعتقادی محدودیت خاصی دارند.^۱ تا جایی که در مقابل تعداد فراوان «لیلی و مجنون»ها، «خسرو و شیرین»ها، «وامق و عذرا»ها و «نل و دمن»ها^۲ و صدها منظومه عاشقانه دیگر با جنبه‌های صرفاً غنایی، تعداد معدودی «سلیمان و بلقیس» و «یوسف و زلیخا»^۳ پدید آمده است. اما در پژوهش حاضر سخن از یک متن غنایی متعلق به اواخر دوره صفویه است که باید آن را در نوع خود یگانه و از بسیاری جهات ممتاز دانست. نمونه نادری از تلاقی مذهب و آثار غنایی، داستانی عاشقانه با مضمونی کاملاً مذهبی و رعایت جانب حرمت امام حسین (ع). نگارنده در پژوهش حاضر بر آن است تا ضمن تطبیق و تحلیل ابعاد مختلف داستان عاشقانه ارینب در «منظومه تسبیح کربلا» متعلق به «زکی مشهدی» با روایت تاریخی «ابن قتیبه دینوری»، به بررسی وجوه غنایی آن بپردازد.

واژگان کلیدی: زکی مشهدی، ابن قتیبه، منظومه غنایی، مثنوی تسبیح کربلا، امام حسین (ع)، ارینب، یزید.

طرح پژوهش

براساس آنچه برخی معتقدند «منظومه‌سرایی از قرن نهم تا قرن دوازدهم، به صورت یک سنت در آمد و هر شاعری رسالت خود را با نظم یک داستان عاشقانه پایان یافته می‌دید» (ذوالفقاری، ۱۳۷۴: ۱۲۱). پژوهش حاضر به معرفی، تطبیق و تحلیل وجوه غنایی و ابعاد تاریخی داستان عاشقانه منحصر به فردی متعلق به قرن دوازدهم می‌پردازد. داستان این منظومه سرگذشت عشق یزید بن معاویه به زنی شوهردار به نام «ارینب» است که همراه همسر خود «عبدالله بن سلام» در روزگار امامت امام حسین (ع) در مدینه زندگی می‌کند. تمایلی آلوده به هوس که عاقبت با اقدام آگاهانه و جوانمردی حضرت، آن زن عقیفه و زیبا نجات می‌یابد. بیان زیبایی و نجابت ارینب، عشق آلوده به هوس یزید و آگاهی و درایت امام حسین (ع)، از زبان ندیم مشهدی، از روایات برجسته و بی‌نظیر دینی در متن یک منظومه غنایی است. جایگاه و اهمیت این داستان از جهات مختلف درخور توجه و بررسی است:

- نخست آن که روایت زکی، منظومه غنایی یگانه‌ای است که در نوع خود نمونه‌ای ندارد و تحلیل و بررسی ابعاد مختلف ادبی و غنایی آن می‌تواند نتایج تازه‌ای در اختیار محققان متون عاشقانه فارسی قرار دهد. به‌ویژه آنکه این اثر در خدمت تبیین اندیشه‌های اعتقادی و دغدغه‌های مذهبی سراینده آن قرار گرفته است.

- وجه ممتاز و مهم دیگر آنکه این داستان بر اساس روایتی تاریخی سروده شده است و با تصرفات اندکی از سوی شاعر در اختیار مخاطبان قرار گرفته است.

- نکته درخور تأمل دیگر، رویکرد چند وجهی این اثر است، به طوری که می‌توان آن را متنی ادبی، غنایی، مذهبی و تاریخی دانست. شاعر مضمون بلند جوانمردی و سماحت امام حسین (ع) و همچنین ابهامی از تاریخ اسلام را در قالب منظومه‌ای غنایی تبیین می‌کند.

- دیگر آنکه به گواهی ندیم مشهدی و مراد وی «نورالدین گیلانی»، یکی از ریشه‌های عداوت و کینه یزید با امام حسین (ع) در همین واقعه بازیابی می‌شود.

- در نهایت آنکه شرح این واقعه گاه دستاویز دشمنان گمراه یا دوستان ناآگاه اهل بیت (ع) قرار گرفته است و اقدام به موقع امام (ع) را که نشان از ذکاوت، سماحت و امانت‌داری اوست، از عمل وقیح یزید متمایز نکرده‌اند.

این پژوهش در سه بخش به طرح، تطبیق و تحلیل موضوع پرداخته است:

۱. در بخش اول، نگارنده بعد از طرح موضوع پژوهش و بیان اهمیت و ضرورت آن به معرفی سراینده اثر و متنی که داستان در ضمن آن مندرج است و گزارش داستان

می‌پردازد.

۲. بخش دوم مقاله به تطبیق و تحلیل ابعاد مختلف داستان در دو متن غنایی زکی مشهدی و روایت تاریخی ابن قتیبه دینوری اختصاص دارد.
۳. در پایان و پیش از نتیجه‌گیری، وجوه غنایی متن غنایی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

معرفی سراینده منظومه

نام او «محمد زکی» فرزند «ابراهیم کرمانشاهی» است. تخلص شعری او «ندیم» و دوره زندگیش از اواخر قرن یازدهم تا اواسط قرن دوازدهم هجری بوده است (نسخه خطی کتابخانه ملی: صص ۴۴۰-۴۳۷). او در مشهد متولد شد و در اصفهان نشو و نما یافت. وی شاعری آگاه، سیاست‌مدار، ادیب، نوع‌دوست و نیز شیعه‌ای راستین با گرایش‌های عارفانه است. درباره جایگاه مقام و موقعیت او گفته‌اند میرزا زکی «نزد [نادر] شاه افشار به رتبه ندیمی مخصوص [گردید] و کسی را بر او در اعزاز تفوق نبوده و غیر وی به رخصت نشستن در خاص و عام سربلندی نیندوخته بود» (قانع تنوری، ۱۹۵۷م: ۸۱۳-۸۱۲). از دیگر نشانه‌های حرمت ندیم نزد نادر شاه، آن که در تسخیر هندوستان به سال ۱۱۵۱ق. و نیز پس از بازگشت از هندوستان در لشکر کشی به عتبات همرا نادر بوده است» (خوشگو، ۱۹۵۹م: ۲۸۳-۲۸۱؛ به نقل از در نجف؛ طاهره رحمانی).

بر اساس برخی سروده‌های ندیم آشکار می‌شود که وی در سال ۱۱۳۴ هجری قمری، هنگام حمله افغان‌ها به اصفهان در این شهر حضور داشته، برای دفاع از شهر تلاش بسیار کرده است و در پایان از این مهلکه نجات یافته، خود را به نجف اشرف می‌رساند. آثار ندیم عبارت هستند از: دیوان/شعار، مثنوی دَر نجف و مثنوی تسبیح کربلا که «داستان دلباختگی یزید بر ارینب» در ضمن این مثنوی آمده است. نکته لازم به ذکر این است که نسخه خطی این دو مثنوی، در قالب پایان‌نامه دانشجویی مقطع کارشناسی ارشد تصحیح شده است.

معرفی مثنوی تسبیح کربلا

از آنجا که موضوع پژوهش حاضر در مثنوی تسبیح کربلا مندرج است، در آغاز باید به معرفی آن پرداخت. مثنوی تسبیح کربلا شامل ۴۲۵۹ بیت است که بر وزن «فاعلاتن مفاعلن فعلمن» در بحر خفیف مسدس سروده شده است. بیت آغازین این منظومه چنین است:

«چون قلم می‌کشم الف از آه مددم کردم مدّ بسم الله»

بر پایه آنچه در مثنوی آمده است، می‌توان دریافت که آغاز سرودن آن پس از بازگشت از

نخستین سفر نجف، در اصفهان و اتمام آن در نجف اشرف بوده است:

«یافتی ای ندیم باز شرف همچو در نجف به خاک نجف»
(ب ۴۲۲۳).

شاعر در این مثنوی با اشعار زیبایی به توصیف معراج پیامبر (ص) می‌پردازد. همچنین غزل‌هایی که به مدح حضرت علی (ع) اختصاص دارد از اشعار درخور توجه این منظومه محسوب می‌گردد.

«دل من باز در هوای علی مست شد از می ولای علی»
(ب ۳۲۲).

اما در باره روایت مورد پژوهش باید گفت شاعر، از بیت ۶۶۱ تا ۱۱۷۳ مثنوی تسبیح کربلا، در قالب ۵۲۱ بیت، داستان دلبستگی یزید به ارینب، دختر اسحاق - همسر عبدالله بن سلام قریشی - را به تصویر کشیده است.

گزارش داستان

شخصیت‌های اصلی این روایت، امام حسین (ع)، ارینب، عبدالله بن سلام، یزید و پدرش معاویه و شخصیت‌های فرعی، عمرو عاص، ابودردا و دختر معاویه هستند. مقارن با شروع دوره امامت حسین (ع) آوازه نجابت، زیبایی، ادب و حیای زنی به نام «ارینب» در یثرب و دیگر سرزمین‌های عرب بر سر زبان مردم روزگار افتاد:

«دختری مثل مهر تابان، طاق بود در حُسن شهره آفاق
بی قرین زمان خود چون بدر در جلالت نجیب و غلیا قدر»
(ب ۶۶۷-۶۶۶).

ارینب، دختر اسحاق و همسر یکی از بزرگان مدینه، به نام عبدالله بن سلام است. وصف زیبایی بی‌بدیل او دهان به دهان گشته، به گوش یزید می‌رسد. میل به تصاحب آن زن، یزید را شیفته و بی‌قرار می‌کند تا جایی که مردم مدینه از نعره و ناله‌های شبانه او آزرده و دل‌افگار می‌شوند. شاعر در این قسمت در قالب ابیاتی تأکید می‌کند که تمایل یزید به ارینب در حقیقت هوای نفس و از سر هوس بود:

«ننگ عشق است عاشقی یزید آن شقی عاشقی چه می‌فهمید؟»
(ب ۷۰۴).

چون معاویه از شیفتگی پسر آگاه می‌شود، به سرعت او را نزد خود طلبیده، به او اطمینان خاطر می‌دهد که معشوقه‌اش را اگر مهر سپهر هم باشد، روی زمین حاضر نماید:

«خاطرت جمع باد ای فرزند! می‌رهانم دل تو را از بند»
(ب ۷۴۲).

اما همین که درمی‌یابد، ارینب زنی شوهردار است، خشمگین شده، با الفاظ رکیک و لعن و نفرین پسرش را با این سخن که «عاشقی بر زنان شوهردار، ننگ باشد و عار» مورد شماتت و سرزنش قرار می‌دهد. اما تضرع و التماس یزید، معاویه را چنان تحت تأثیر قرار می‌دهد که با طرح نقشهٔ فریب همسر ارینب و از میدان به در بردن وی، از عمرو عاص می‌خواهد تا از زبان خود نامه‌ای خطاب به او بنویسد و پیام محبت خلیفه را ابلاغ کند و خود نیز در مجالس به تعریف از ابن‌سلام نادان می‌پردازد. ضمن آنکه خبر این چرب‌زبانی‌های فریبکارانه به گوش مرد ساده‌لوح می‌رسد، نامه‌ای سراسر نیرنگ نیز در قالب فرمان خلیفه مبنی بر فرمان عزیمت به شام دریافت می‌کند:

«که دل از کثرت شنیدن تو رفت از جا به شوق دیدن تو»
(ب ۸۴۱).

این نامه چنان خواب و آرام از ابن‌سلام می‌رباید که عاقبت ترک وطن گفته، در میان استقبال گرم معاویه و اطرافیان، وارد شام می‌شود. با حضور مرد بیچاره در بارگاه خلیفه، عمرو عاص فرصت می‌یابد تا آخرین مرحله از دسیسهٔ معاویه را عملی کند. برای این کار نزد ابن‌سلام می‌رود، پس از توصیف زیبایی دختر خلیفه و با این بیان که:

«به چه طالع ز مادرت زادی؟ پادشاهی و شاه دامادی؟»
(ب ۸۹۶).

کار ابن‌سلام فریفتهٔ جاه و مقام موعود معاویه را بدانجا می‌رساند که روزی با شوق و بی‌قراری به سرای عمرو عاص می‌رود و با تقدیم چند گوهر از او می‌خواهد که دختر خلیفه را برایش خواستگاری کند. معاویه و دخترش ظاهراً از این تقاضا استقبال می‌کنند، در حالی که ابن‌سلام از تبانی پنهان آنها غافل است. در جلسهٔ خواستگاری که ابودردا و قضات شام حضور داشتند، دختر معاویه از پس پرده رضایت خود را به صورت مشروط، چنین اعلام می‌کند:

گفت و گو نیست بهر کابینم	مهر مهر است لطف و آیینم
منع جمع است در میانهٔ من	با ارینب همین یکی است سخن
به طلاقش اگر بُوَد راضی	کندم عقد حضرت قاضی

(ب ۹۵۵-۹۶۵).

ابن‌سلام بی تأمل همسر خود را طلاق می‌دهد. پس از اینکه گمان می‌کند رضایت خلیفه را کسب کرده است و بدون هیچ مانعی دختر وی و حکومت شام را تصاحب می‌کند، در رفتار خلیفه تغییر ناگهانی و آشکاری را مشاهده می‌نماید تا جایی که روز بار، دربانان مانع ورود او می‌شوند. وی پس از آن همه امید شاهی و آرزوی دامادی از شهر شام آواره می‌شود. اینک همه چیز مهیا شده بود تا بر زخم یزید مرهمی نهند و زمان آن فرا رسیده بود که بر ویرانه‌های کلبهٔ سعادت و خوشبختی ابن‌سلام کاخ هوسرانی و زیاده‌خواهی وی را بنا

کند. به همین سبب، پس از سپری شدن ایام غدهٔ ارینب، معاویه به ابودردا فرمان می‌دهد که به مدینه برو و:

«سعی در خطبهٔ ارینب کن آن قمر را به عقد عقرب کن»
(ب ۱۰۰۲).

در تمام این ایام حقیقت خدعهٔ یزید، فریب خوردن ابن‌سلام و مظلومیت ارینب بر دل آگاه و ضمیر روشن امام حسین (ع) پوشیده نبود:

«به دل او سروش آمده بود بحر لطفش به جوش آمده بود»
(ب ۱۰۲۴).

ابودردا پس از ورود به مدینه ابتدا برای عرض ادب به محضر آن حضرت رسید. امام (ع) ضمن احوال‌پرسی، خواست تا ضمن ابلاغ پیام خواستگاری یزید و قثم بن عباس، ارینب را برای آن حضرت نیز خواستگاری کند. ارینب به محض شنیدن پیام هر سه خواستگار بی‌درنگ و با اشتیاق فراوان حسین بن علی (ع) را برگزید و افتخار خود را در کنیزی پسر فاطمه (س) دانست. بدین ترتیب، لطف حق شامل حال وی شده و با فراست سبب رسول (ص)، گوهر پاک وجودش نصیب یزید نشد. اما ابن‌سلام که تهدبستی و پریشان‌حالی او را خانه‌نشین کرده بود، شبی به یاد آورد وجه نقدی را نزد ارینب به امانت سپرده است. پس راهی خانهٔ امام (ع) شد و با دیدن آن حضرت از غفلت خود اظهار ندامت نمود. امام (ع) مرحمت فرموده، با مهر و عطوفت ویژهٔ خاندان رسول، وی را تسکین داده، حقیقتی را بر او آشکار ساخت:

«واسطه شد میان مروت ما	عاقبت گشت رحم و شفقت ما
در جهان ما چو حجت‌اللهیم	از قضاهای دهر آگاهییم
ناگوارا نمود بر دل ما،	که به یثرب مقام و منزل ما
حرم جدّ ما رسول‌الله	ستم این چنین نماید راه
صیغهٔ عقدی آن زمان گفتیم	با طلاقش همان زمان گفتیم»

(ب ۱۱۶۳-۱۱۵۴).

ارینب از پس پرده به نزد ابن‌سلام آمد و همگان دانستند در تمام آن مدت با حضرت هم‌سخن نشده است:

«آن گهر مدتی چو در یتیم، بود در سلک اهل بیت، مقیم»
(ب ۱۱۶۸).

در همان مجلس، حسین (ع) دوباره آن زن را به عقد همسرش درآورد و شادی و سرور را به آنان بازگرداند.

بررسی جایگاه تاریخی و صحت استناد داستان اربنب

همان طور که ندیم مشهدی، خود در آغاز روایت بیان می‌کند، این داستان را اولین بار از زبان عارفی ربّانی به نام «نورالدین گیلانی» می‌شنود. این عارف فرزانه که برای شاعر حکم مراد و پدر دارد، اصل حکایت را از کتابی که به گفته ندیم «جامعش ابن حجّه شامی است» نقل کرده و وی را به سرودن این داستان تشویق می‌کند. به اعتقاد نورالدین بهترین سررشته برای رثای امام حسین (ع) و بیان بزرگواری‌های آن حضرت، بیان علل بغض و کینه ریشه‌دار یزید است. ندیم با تأکید بر ثقه و مشهور بودن راوی، بر حقیقت خبر صخه نهاده است و به نظم آن می‌پردازد. مأخذ اصلی داستان که شاعر از آن با نام گردآورنده‌اش (ابن حجّه شامی) یاد می‌کند، در حقیقت کتاب «ثمرات الأوراق فی محاضرات» از «تقی‌الدین ابوبکر بن علی»، معروف به «ابن حجّه حموی» یا «شامی» (۸۳۷-۷۶۷ هـ ق) است. در آنجا این حکایت ذیل باب؛ «الولید و مسامر الخلفاء» و با رویکردی تفنّنی و قصّه‌گونه آمده است. بر این اساس، منبع مناسبی برای بررسی واقعیت تاریخی روایت اربنب نبود و یافتن سند تاریخی آن ضرورت یافت. اصل تاریخی این حکایت پس از جستجو و بررسی، از کتاب «الإمامة و السياسة» ابن قتیبه دینوری به دست آمد؛ کتابی که به نام «تاریخ خلفا» هم مشهور است. در جلد اول این کتاب، تحت عنوان «ماحاول معاویه فی تزویج یزید» اصل این داستان را مشاهده می‌کنیم. این کتاب در نجف و مصر توسط ناشران مشهور و بدون تصحیح چاپ شده و در ایران، در شهر قم افسست گردیده است. کتاب «الإمامة و السياسة» را باید یک دوره تاریخ خلفا از دوره ابوبکر تا عهد مأمون عباسی دانست. مطالب کتاب به صورت موضوعی ذیل عنوان‌هایی آمده است و جز در ابتدای کتاب که اسناد روایات درج شده، بیشتر مطالب آن از «ابوالحسن مدائنی» یکی از پرکارترین مورخان اسلامی گرفته شده است.

اگرچه دوزی، مستشرق معروف، انتساب این کتاب را به عبدالله بن مسلم قتیبه (م. ۲۷۶ ق.) مورد تشکیک قرار می‌دهد، اما کارل بروکلمان و زرکلی آن را به ابن قتیبه منتسب می‌کنند (ر.ک؛ ابن قتیبه دینوری، ۱۳۶۳: ۱۱-۳۷). ابن قتیبه به سبب آن که مدتی در دینور قاضی بود به «دینوری» معروف گشت، ولی ادیبی کامل، مفسّر، شاعر، فقیه و مورخ بزرگی بود که آثار بسیاری از خود به یادگار گذاشت. از میان کُتب تاریخی وی کتاب *المعارف و عیون الأخبار* مورد استفاده بسیاری از محققان قرار گرفته است. همان‌گونه که بیان شد، انتساب کتاب *الإمامة و السياسة* به ابن قتیبه دینوری مورد تردید است؛ زیرا سبک موضوعی و شیوه آوردن اسناد آن با دو اثر تاریخی دیگر ابن قتیبه متفاوت است. با این توضیح که وی در کتاب‌های *المعارف و عیون الأخبار* اسناد مطالب خود را به طور کامل ذکر می‌کند، ولی در این اثر، این ویژگی دیده نمی‌شود.

کهن‌ترین سند داستان ارینب نیز در کتاب *الإمامة و السیاسة* پدیدار است. نویسندگان این داستان را با ذکر کلمه «قال» و «ذکروا» روایت می‌کند که با توجه به ارجاع مطالب پیشین به «مدائنی»، بر ما روشن می‌شود که این خبر را از مدائنی گرفته است، ولی واحد بودن سند و منبع این داستان و تردید در انتساب کتاب *الإمامة و السیاسة* به ابن‌قتیبه همچنان ثقه بودن این خبر را مورد تشکیک قرار می‌دهد، به‌ویژه آنکه متن خبر هم دارای ابهام‌هایی است؛ از جمله ناشناخته بودن هویت عبدالله بن سلام قریشی، شوهر ارینب، و اسحاق پدر وی. با وجود این، حتی اگر داستان ارینب را روایتی در قالب یک اسطوره به شمار آورده شود، نقل چنین مطالبی از سوی ابن‌قتیبه حاکی از بی‌اساس نبودن داستان ارینب است. البته بین این حکایت تاریخی و روایت شاعرانه ندیم تفاوت‌هایی پدیدار است که بررسی و تبیین می‌گردد.

۱) بررسی و تحلیل میزان انطباق روایت غنایی ندیم با روایت تاریخی ابن‌قتیبه

برخی داستان‌های بزمی یا همان منظومه‌های غنایی را فاقد جنبه تاریخی و سیاسی و بیشتر تفتنی معرفی کرده‌اند (غلامرضایی، ۱۳۷۰: ۱۹). اما به نظر می‌رسد که بر اساس آنچه درباره «علاقه یزید به ارینب» در روایت تاریخی ابن‌قتیبه پدیدار است، می‌توان منظومه تسبیح کربلا را از غالب متون عاشقانه فارسی متمایز دانست.

میان روایت منظوم ندیم و حقیقت تاریخی داستان در کتاب ابن‌قتیبه، تفاوت‌هایی از نظر شرح وقایع پدیدار است. علاوه بر رویکرد شاعرانه روایت ندیم، مخاطب در جای‌جای این داستان با صیغه محبت و اعتقاد راسخ شیعه‌ای متعهد روبه‌روست. صحنه‌ها و تصویرسازی‌های شاعرانه به طور خاصی در خدمت بیان اعتقادات شاعر به عنوان ارادتمند حقیقی خاندان علی (ع) قرار گرفته است. اما در روایت ابن‌قتیبه واقعیتی تاریخی، به دور از مضامین شعری مطرح می‌شود. روایتی که اگر چه با ارادت راوی شیعی همراه نیست، اما در بیان حقایق تاریخی تحریف و جانب‌داری هم نکرده است. حتی می‌توان گفت جوانمردی و درایت امام حسین (ع) در پایان روایت تاریخی وی با صراحت و دقت بیشتری تصویر شده است. در اینجا برای تبیین و تحلیل موضوع در دو متن غنایی و تاریخی، تفاوت‌های شاخص آن دو مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. تفاوت اساسی دو اثر در روایت شیفتگی یزید

در منظومه ندیم، یزید وقتی شیفته و دل‌باخته ارینب می‌شود که همسر شرعی ابن‌سلام است و بی‌قراری او دهان به دهان می‌گردد تا به گوش معاویه در شام می‌رسد. اما ابن‌قتیبه تمایل یزید به این زن را مربوط به پیش از ازدواج او با ابن‌سلام دانسته و توضیح می‌دهد که به

دلیل تعلل و تأخیر پدرش، ارینب نصیب ابن سلام می‌شود.

۲. تفاوت در توصیف ویژگی‌های منفی شخصیت یزید

چهرهٔ یزید در منظومهٔ ندیم بسیار منفور، عیاش و فاسد تصویر می‌شود. اما این نگاه در روایت ابن‌قتیبه کمی تعدیل شده است. با این حال، تقبیح و تحقیر یزید توسط پدرش معاویه در صحنه‌هایی از این بیان تاریخی هم آمده است. ضمن آنکه شیوهٔ روایت در هر دو اثر، به گونه‌ای است که نشان می‌دهد معاویه بیش از یزید دست به حيله و ظاهرسازی می‌زند.

۳. تفاوت در نوع برخورد معاویه با کامجویی یزید

در روایت ندیم، معاویه به شدت فرزند خود را از چنین عشقی برحذر داشته، در بدو امر کار او را تقبیح کرده است و مورد لعن و نفرین قرار می‌دهد. اما در حکایت ابن‌قتیبه، معاویه یزید را به صبر فرمان داده، با اشاره به نمودی از داستان حضرت داوود (ع) که تحت تأثیر اسرائیلیات است، و بیان اینکه داوود (ع) بر چنین موردی صبر نکرد، پسر را به پنهان کردن رازش فرامی‌خواند.

۴. تفاوت در حضور یا عدم حضور برخی شخصیت‌های داستان در دو روایت

در منظومهٔ ندیم از ابوهریره، نامی به میان نمی‌آید، ولی در روایت ابن‌قتیبه، ابوهریره به همراه ابودردا در شام نزد معاویه است و در تمام صحنه‌های خواستگاری و رفت و آمد، بین معاویه، دخترش و ابن‌سلام حضور دارد.

۵. تفاوت در نوع روایت از نظر اجمال یا تفصیل بخش‌هایی از داستان

تفاوت دیگر این دو متن، تفصیل و اجمال در شرح وقایع است. با توجه به ویژگی داستان‌های غنایی و اینکه این منظومه یک اثر غنایی محسوب می‌شود، وصف زیبایی و نجابت معشوق، شیفتگی عاشق، توصیف عشق و اوصاف امام حسین (ع) به تفصیل آورده شده است و در بیان صحنه‌های رویارویی و گفتگوی افراد، به اجمال و اختصار می‌گراید. اما شرح جزئیات در حکایت ابن‌قتیبه بیشتر است؛ به عنوان مثال در روایت ندیم، تبانی و توطئهٔ معاویه و دخترش برای فریب ابن‌سلام، به اجمال و در قالب یک بیت چنین آمده است:

«کرد اغماض عین، شوم اختر آنچه می‌خواست گفت با دختر»

(ب ۹۴۵).

اما در روایت ابن‌قتیبه همدستی و فریبکاری معاویه و دخترش به تفصیل بیان شده است. در این صحنه معاویه از یک سو به دختر خود می‌آموزد که با چهره‌ای حق به جانب، شرط

جدایی ابن سلام از همسرش را با خواستگار در میان بگذارد و از سوی دیگر خود وانمود می‌کند که از شرط دختر ناراضی است.

نمونه دیگری از این تفاوت در منظومه ندیم، وقتی است که ابودردا برای ابلاغ خواستگاری یزید وارد مدینه می‌شود و ابتدا به محضر امام حسین (ع) می‌رسد. ندیم این ماجرا را در قالب دو بیت و بدون توضیح آورده است (ب ۱۰۳۴). اما ابن قتیبه علت دیدار ابودردا با امام (ع) و اعتقاد و التفات آن حضرت نسبت به وی را به تفصیل روایت می‌کند.

۶. تفاوت اندک دو اثر در تبیین شخصیت معنوی امام معصوم

ندیم در منظومه خود با صراحت، آگاهی امام حسین (ع) از ماجرای ابن سلام را علم اسرار و یقین آن حضرت می‌داند که یکی از نمادهای آن، آگاهی ایشان از بازگشت و ندامت ابن سلام است. با این وصف امانت‌داری برای امت جدش که در این داستان، صیانت از ارینب است، یکی دیگر از برجستگی‌های شخصیت امام حسین (ع) به شمار می‌آید:

«دل او مهر مطلع انوار بود عالم ز عالم اسرار
به دل او سرش آمده بود بحر لطفش به جوش آمده بود»
(ب ۱۰۲۴-۱۰۲۰).

اما در سخن ابن قتیبه پس از آنکه ابودردا هدف خود از رفتن به مدینه را بازگو می‌کند، حضرت می‌فرماید: «من در فکر ازدواج با ارینب بودم و بر آن بودم تا کسی را برای خواستگاری به نزد وی بفرستم و تنها مانع برای من، برگزیدن فرد معتمدی بود که خدا تو را رساند. پس خدا خیرت دهد، برای من و برای یزید هر دو خواستگاری کن و آنچه را خدا برای او برگزیده، برگزین، و بدان این امانتی است برگردن تو که باید ادا کنی» (ابن قتیبه، ۱۳۶۳: ۱۹۹).

البته روایت ابن قتیبه با آنچه ندیم فراست ضمیر امام (ع) می‌داند، منافاتی ندارد؛ زیرا می‌توان چنین پنداشت که حضرت (ع) با آگاهی از سرانجام امر و بدون آنکه توضیح و تبیین ماجرا را برای ابودردا لازم بداند، فقط خواستگاری خود را بیان فرمود.

۷. تفاوت عملکرد شخصیت‌های داستان در دو متن

در منظومه ندیم، ارینب پس از آنکه ابودردا خواستگاران را معرفی می‌کند، بلافاصله و با افتخار امام حسین (ع) را می‌پذیرد. اما در حکایت ابن قتیبه، ارینب رو به ابودردا اظهار می‌دارد: «حالا که تو خودت قاصد شده‌ای، امر خودم را بعد از خدا به تو می‌سیارم. پس هر کدام نزد تو پسندیده‌تر است برایم انتخاب کن» (همان: ۲۰۰). و این ابودردا است که حسین (ع) را محبوب‌تر معرفی کرده است و به ارینب توصیه به پذیرش او می‌کند.

۸. تفاوت در علت رخداد‌های داستان

یکی از رویدادهای مهم منظومه، پایان کار ابن‌سلام است. وضعیت فلاکت‌بار و بیچارگی او بعد از طلاق همسرش و بی‌مهتری معاویه، در هر دو متن وجود دارد، با این تفاوت که ندیم تغییر رفتار و بی‌توجهی معاویه را بلافاصله بعد از طلاق ارینب و به تفصیل بیان می‌کند. اما در روایت ابن‌قتیبه، طرد و زجر ابن‌سلام از درگاه را به دلیل بدگویی درباره معاویه و متهم کردن او به نیرنگ و فریب می‌داند.

۹. تفاوت پایان داستان در دو روایت

صحنه حضور ابن‌سلام در خانه امام و رویارویی با ارینب در پایان داستان، جزو زیباترین صحنه‌های این منظومه است که در هر دو متن ادبی و تاریخی، به زیبایی تصویر شده است و آنچه از آن دریافت می‌شود، نیت پاک و خالصانه امام (ع) و جوانمردی و بزرگواری و درایت اوست. از آنجا که به نوعی نتیجه داستان و انگیزه امام حسین (ع) از ازدواج با ارینب در این بخش تصویر می‌شود، مقایسه و بررسی آن ضروری می‌نماید.

بر اساس روایت ندیم، ابن‌سلام برای گرفتن وجه نقدی که نزد ارینب به امانت نهاده بود، به خانه امام حسین (ع) می‌رود. آن حضرت با تفقد و رأفت از او دلجویی نموده است و پس از آنکه بر همه معلوم می‌شود

«که ارینب به عرض آن مدت متکلم نگشته با حضرت»

(ب ۱۱۶۸).

آن دو را به عقد همدیگر درمی‌آورد. اما تصویری که در روایت ابن‌قتیبه آمده زیباتر است و با ظرافت بیشتری فراست و جوانمردی حضرت را مورد اشاره قرار می‌دهد و زمانی که ابن‌سلام به نزد امام حسین (ع) می‌آید و از ایشان درخواست می‌کند، امانت او را از ارینب گرفت و بازگرداند، امام حسین (ع) نمی‌پذیرد و از او می‌خواهد که خود او برای دریافت امانت خویش نزد ارینب برود. همچنین وقتی که ابن‌سلام را به نزد ارینب می‌برد، آنجا را ترک کرده و در واقع به آنها مجال بازنگری به گذشته را می‌دهد. همین درایت امام باعث می‌شود آنها فرصتی بیابند و بر آنچه به آن مبتلا شده‌اند حسرت و تأسف خود را ابزار کنند. این همدلی، کینه‌ها را از میان می‌برد و با وساطت حضرت آن دو باز به عقد یکدیگر درمی‌آیند. در پایان، سخنان حضرت که در قالب راز و نیاز با خداوند آمده، درخور تأمل است: «خدا را شاهد می‌گیرم که من وی را رها کردم. خدایا تو می‌دانی که من او را به خاطر تمایل به مال و جمال به همسری درنیاوردم و رضایت تو را طلب کردم» (ابن‌قتیبه، ۱۳۶۳: ۲۰۲).

در پایان روایت ابن‌قتیبه چنین آمده است: «و خدا ارینب را بر یزید حرام کرد» (همان) و با

این بیان، این حقیقت را عنوان می‌کند که امام حسین (ع) در مسیر اراده و خواست الهی گام برداشته است.

۲) بررسی و تحلیل وجوه غنایی منظومه ندیم

در بخش دوم مقاله، پس از بیان جایگاه منظومه غنایی ندیم مشهدی در حوزه ادب غنایی فارسی و تبیین ریشه‌های تاریخی داستان، ابعاد مختلف آن به عنوان اثری غنایی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد تا نتایج حاصل نشانگر این حقیقت یا در واقع پاسخ به این سوال باشد که چرا داستان ارینب در مثنوی تسبیح کربلا می‌تواند منظومه‌ای غنایی محسوب شود؟

بدیهی است عناصر شاخص در یک داستان عاشقانه یا اثری غنایی، مواردی نظیر جایگاه عشق، عاشق یا معشوق، وصف زیبایی‌های معشوق، توصیف شیفتگی و دلدادگی عاشق، نحوه آشنایی عاشق و معشوق، بازتاب دیگر داستان‌های عاشقانه در متن داستان، روایت داستان‌های عاشقانه فرعی در ضمن داستان اصلی و تصویرسازی‌های بدیع و جذاب است. بر این اساس و در جهت اثبات وجوه غنایی در منظومه ندیم مشهدی، در این بخش، عناصر مورد نظر بررسی و تحلیل می‌گردد.

۲-۱) جایگاه منظومه ندیم مشهدی در میان آثار غنایی فارسی

ندیم به درخواست نورالدین گیلانی این داستان را از اصل عربی آن به نظم درآورده است. از یک سو، منظومه ندیم ویژگی‌هایی دارد که آن را در زمره مثنوی‌های عاشقانه جای می‌دهد و از سوی دیگر، دارای وجوه خاصی است که آن را متمایز از آن‌ها و در نوع خود یگانه می‌سازد. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: جایگاه عشق در این منظومه و تبیین آن از منظر ندیم، توصیف زیبایی ظاهری معشوق در کنار نجابت و حیای او، نگاه خاص به یزید در قالب عاشقی شیفته، اما منفور و ماجرای عشق ساختگی دختر معاویه در اثنای داستان اصلی. البته در این اثر مواردی هم به چشم می‌خورد که باید از آنها به عنوان نارسایی و ضعف کار ندیم در پرداخت حکایت یاد کرد؛ به طور مثال شاعر برخی از صحنه‌ها را با تفصیل کامل به تصویر کشیده، در برخی توصیفات و بیان وقایع به ایجاز و اجمال نامطلوبی گراییده است. برای نمونه در توصیف معشوق، در تقبیح و بیان حال عاشق و در تقریر عشق، سخن را به درازا کشانده است و خواننده با تفصیل و گاه تکرار مضامین روبه‌رو می‌شود، اما برخی وقایع و اشارات مانند ماجرای حضرت داوود (ع) در قالب یکی دو بیت و به اجمال بیان می‌شود.

۲-۲) اشاره به داستان‌های عاشقانه

اشارهٔ ندیم به داستان‌های عاشقانه‌ای چون *لیلی و مجنون*، *خسرو و شیرین*، *شیرین و فرهاد*، *سلیمان و بلقیس* و *وامق و عدرا* نشان می‌دهد که او با این‌گونه داستان‌ها آشنایی داشت و در سرودن این مثنوی به آنها نظر کرده است. در اینجا و جهت تبیین مطلب نمونه‌هایی از این اشارات بیان می‌شود؛ مثلاً اشاره به داستان *لیلی و مجنون*. ندیم این داستان و عناصر آن را به تکرار مورد اشاره قرار می‌دهد:

« لیلی را که کرده مجنونت ساخته فتنه که مفتونت؟ »
(ب ۷۴۶).

نمونه‌های دیگر عبارت هستند از: داستان *خسرو و شیرین* (ب ۶۷۰)، داستان *شیرین و فرهاد* (ب ۷۴۵)، داستان *سلیمان و بلقیس* که اشاره به ماجرای خواستگاری توحیدی *سلیمان* (ع) است (ب ۱۰۴۵)، و داستان *وامق و عدرا* (ب ۱۰۶۷).

۲-۳) جایگاه عشق در روایت ندیم

۲-۳-۱) دیدگاه ندیم در مقایسه و تبیین عشق و مراتب آن

ندیم با تعبیر خاصی به بیان نوع عشق یزید می‌پردازد؛ بدین معنی که با ظرافت و بدون تحقیر و تقبیح ساحت مقدس عشق، دلیل بی‌قراری یزید را در آمیختن عشق با هوای نفس می‌داند. به تعبیر دیگر، اگرچه عشق اربین دل از کف یزید ربود، اما در ظرف وجودش می‌مطهر عشق، رنگ سیاه نفس گرفت و مطروف به شکل ظرف درآمد:

« عشق و نفس و یزید، آن سه بزرگ، چون شود جمع هست شکل سه گرگ »
(ب ۷۰۰).

و در بیانی زیبا و حسن تعلیل گونه چنین می‌آورد:

« عشق آن روز علت دق شد که یزید پلید عاشق شد
شده گویا که از همان ایام عشق و معشوق و عاشقی بدنام »
(بب ۷۰۳-۷۰۲).

نوع نگاه شاعر در این بخش از منظومه که «عشقنامهٔ ندیم» محسوب می‌گردد، قابل تأمل و بررسی است و شاید بتوان مقایسه و تبیین عشق و مراتب آن را از دیدگاه ندیم مشهودی تنها نمونهٔ این نوع از عشق دانست. البته سعدی در *بوستان* با بیانی که شباهت اندکی با نظر ندیم دارد، به مقایسهٔ میان عشق جسمانی و عشق آسمانی پرداخته است (ر.ک؛ سعدی، ۱۳۸۱: ۱۰۰). بیت‌های زیر بیانگر تفاوت مرتبهٔ عشق آلوده به هوس یزید و عاشقی حقیقی از دیدگاه

ندیم است:

«عشق شهباز اوج قرب خداست مگس است این هوس که سر به هواست»
(ب ۷۰۶).

و پس از آن، ابیاتی در تبیین حقیقت عشق آمده است:

«مظهر صنعت الهی عشق جلوه گر ماه تا به ماهی عشق
عشق جنت، هوس چو هاویه است این علی باشد، آن معاویه است
هوس و عشق فرق فیما بین این یزید است و آن امام حسین»
(ابیات ۷۲۵-۷۲۴ و ۷۲۰).

اعتقاد قلبی و بُن‌مایه تفکری ندیم مشهدهی دربارهٔ عشق، ژرف و درخور تأمل است. نوع نگاه او به مبحث عشق در زمانی که سخن گفتن از آن به منظومه‌های عاشقانه‌ای منحصر می‌شد که به تقلید از قدما و تأثیر از داستان عرائس عرب و معشوقه‌های هندی، تنها برای پیروی از سنت غالب شعری سروده می‌شد، جایگاه و اهمیت خاصی دارد. در چنین ساحتی است که ندیم مانند حافظ، مولانا، عطار و دیگر سرایندگان عشق حقیقی می‌اندیشد و با اشاره به اینکه «غرض از خلقت جهان عشق است» (ر.ک؛ ب ۷۱۷)، چون خواجه شیراز آدمی و پری را طفیل هستی عشق می‌داند و مانند مولانا عشق را سلسله‌جنبان آفرینش و دواى دردها و حلال مشکلات معرفی می‌کند و آنچه در تکمیل اعتقادات و اندیشه‌های این شاعران بزرگ ارائه می‌دهد، نمود ممتاز و مقدسی از عشق است که خاندان اهل بیت (ع) و ارادتمندان آنها را شامل می‌شود؛ جوانمردی و ایثاری که مفهوم حقیقی عشق متعالی است.

در این منظومه خواننده درمی‌یابد که برخی احساسات سخیف نفسانی و غرائز هوس‌آلود را نمی‌توان با نام و اعتبار عشق در وادی ارزش‌های انسانی گنجانید، به‌ویژه آنکه یک سوی این عشق، امامی معصوم باشد. اینجاست که شاعر معتقد و آگاهی که درد دین دارد، حتی حاضر نیست در مثنوی خود از اعتبار و قداست چنین عشقی برای جذابت بیشتر اثر خود استفاده کند. بنابراین، مثلث عشق، عصمت و امامت را متوازن و متعالی ترسیم می‌کند. به همین دلیل، از آغاز طرح مسألهٔ عشق، با تبیین مفهوم والای آن و مقایسه با هوس، آنچه را باعث تمایل یزید به اربنب می‌شود، هوس معرفی می‌کند و وجود مطهر امام (ع) را پاسدار حریم عشقی مقدس می‌داند.

۲-۲-۳) روایت یک عشق در حاشیهٔ عشقی دیگر

یکی از ویژگی‌های منظومه‌های غنایی طرح دل‌بستگی‌های فرعی در ضمن روایت عشق اصلی است؛ به عنوان مثال می‌توان از داستان سلیمان و بلقیس زلالی خوانساری، خسرو و شیرین نظامی و یوسف و زلیخای جامی نام برد.^۷ در این منظومهٔ عاشقانه نیز

یک عشق محور اصلی داستان است و عشقی دیگر در حاشیهٔ آن مطرح می‌شود. یزید عاشق ارینب می‌شود و در حاشیهٔ آن عشق دختر معاویه برای فریب ابن‌سلام مطرح می‌گردد. ندیم وصف زیبایی دختر معاویه از زبان عمرو عاص و توصیف شیفتگی و بی‌قراری ابن‌سلام را به تفصیل بیان می‌کند. اما در این مثنوی از عشق و شیفتگی میان عاشق و معشوق که در غالب داستان‌های عاشقانه با یک کشش و دل بستگی دو سویه مطرح می‌شود، اثری نیست. در اینجا هر دو عشق یک‌سویه است و هیچ جاذبه، تمایل و علاقه‌ای از جانب معشوق وجود ندارد. در عشق یزید به ارینب تمام جریان دلدادگی و بی‌قراری از سوی یزید است و هیچ سخنی از تمایل یا حتی آگاهی ارینب از این دلدادگی و شیفتگی مطرح نمی‌شود. اما در جریان شیفتگی ابن‌سلام به دختر معاویه اگرچه بی‌قراری و شیفتگی معشوق نیز بیان می‌شود، اما تمام این احساسات و تمایلات دروغین و ساختگی است و با آنکه عمرو عاص در شرح عشق و بی‌قراری دختر معاویه چنین می‌گوید:

«یار تو از تو بی‌قرارتر است دیده‌اش روز و شب ز گریه تر است»
(ب ۹۱۰).

حقیقت این دل بستگی، مکر و ظاهر سازی و در حقیقت، بخشی از نقشهٔ معاویه است.

۳-۲-۲) توصیف و تصویر سازی در روایت ندیم:

از مهم‌ترین ارکان آثار غنایی، توصیف‌های شاعرانه است. در این داستان دو دسته توصیف دیده می‌شود: نخست، توصیف زیبایی معشوق و دوم، توصیفات اعتقادی که در خدمت فضاسازی‌های داستان قرار گرفته است.

الف) توصیف زیبایی معشوق

توصیف زیبایی، کمال و نجابت ارینب که در افواه مردم روزگار افتاده بود، درخور تأمل است؛ زیرا در منظومه‌های عاشقانهٔ دیگر که آشنایی عاشق و معشوق نه از راه دیدار که از راه شنیدن وصف وی است، این ویژگی یعنی عالم‌گیر بودن، کمتر دیده می‌شود. به طور مثال در داستان خسرو و شیرین نظامی وقتی شاپور از زیبایی شیرین برای خسرو سخن می‌گوید و خسرو از راه شنیدن اوصاف شیرین عاشق و شیفتهٔ او می‌شود، تأکیدی بر شهرت آفاقی یا زیبایی مشهور او نیست. در چنین مواردی فقط این امکان وجود دارد که شاعر در قالب اغراق، جمال معشوق را چون خورشید عالم‌گیر توصیف کند، اما در هیچ داستانی نظیر این توصیف یعنی شهره بودن زیبایی معشوق را نمی‌بینیم. حال آنکه دلیل عاشقی یزید همین زیبایی عالم‌گیر ارینب است. دلیل این شیوهٔ بیان را گذشته از واقعیت تاریخی باید در انگیزهٔ سرایندهٔ منظومه از روایت داستان جستجو کرد؛ زیرا اگر قرار بوده ارینب زیبارویی باشد که یزید او را در

مجلس و بزمی دیده و عاشق او شده است یا حتی وصف زیبایی او را از شخص معینی که بیگانه با اوست، شنیده باشد، آنگاه نجابت و عفاف ارینب که اتفاقاً مورد تأکید ندیم است، وجهی نخواهد داشت. ارینب در روایت ندیم، زنی است بسیار زیبا، دارای کمالات اخلاقی و ادب و حیای فراوان که فرد هوسرانی چون یزید به دلیل شهرت زیبایی وی، سعی در تصاحب او دارد. در بخش دیگری از این منظومه، جایی که ندیم به توصیف زیبایی دختر معاویه از زبان عمرو عاص می‌پردازد، مضمون کلام او توصیفات ظاهری است. اما آنچه در توصیف آوازه جمال ارینب می‌گوید، در هاله‌ای از ستایش نجابت و علو قدر او مطرح می‌شود.

نکته درخور توجه در وصف ارینب، تأکید ندیم بر مستوری اوست. امتیاز این مطلب وقتی آشکار می‌شود که توصیف زیبایی زانی چون لیلی، شیرین، عذرا و بلقیس، حتی زنان دارای شخصیت فرعی^۸ در دیگر آثار غنایی مورد نظر قرار می‌گیرد. شاعر در همه این موارد زیبایی‌های ظاهری از جمله چشم، ابرو، خط و خال و مو را به تفصیل وصف می‌کند. اما در این مثنوی توصیف معشوق، بیش از آنکه وصف چشم و ابرو و گیسو باشد، بیان حیا و مستوری و جلالت ارینب است. این وصف نجابت، عفاف و حجاب از آغاز منظومه تا پایان بارها پدیدار است. حتی در اثنای روایات به این وجه معشوق اشاره می‌شود؛ به عنوان مثال در پاسخ به ابودردا که خواستگاری امام (ع) را با او در میان می‌گذارد، با ممتاز کردن مفهوم عفاف از واژه حجاب استفاده می‌شود:

«پس ارینب به رنگ گل ز حجاب غنچه لب گشود بهر جواب»
(ب ۱۰۷۵).

علاوه بر آنکه کاربرد عناصر و مضامین مذهبی مربوط به واقعه کربلا، نظیر محرم، حرم، مدینه، شام، کعبه، کربلا و بلا در تصویرسازی و بیان اوصاف ظاهری ارینب به این مطلب برجستگی خاصی بخشیده است:

«زلف او دام فتنه ایام در هم از گیسوش مدینه و شام
ابروش با هلال توأم بود چون هلال مه محرم بود»
(ب ۶۷۶-۶۷۵).

و این استفاده از عناصر مذهبی تا حدی است که در قالب یک حسن تعلیل و البته همراه با ترک ادب شرعی، کشتگان کربلا را شهدای غم عشق او می‌داند:

«شد سیه پوش کعبه از المش کربلا، کوی کشتگان غمش»
(ب ۶۸۳).

نکته مهم دیگر که بررسی آن ضرورت دارد، تأمل درباره پاسخ این پرسش است که آیا این همه بی‌قراری و آشفتگی یزید می‌تواند با شنیدن وصفی از زیبایی زنی باشد؟ گذشته از اغراق که از ویژگی‌هایی ممتاز داستان‌های غنایی و وصف صحنه‌های دلدادگی است، با توجه به اینکه روایت

عاشقی یزید در کلام ابن‌قتیبه به هیچ روی با بی‌قراری و شیفتگی همراه نیست، برای این پرسش، چه پاسخی می‌توان داشت؟ در حقیقت سرایندهٔ داستان با این توصیف‌ها سعی در ترسیم چهرهٔ عقیف و پاکیزهٔ ارینب به عنوان زنی نجیب، اصیل و پاکدامن دارد؛ زنی که هرگز در مجالس جلوه‌گری حضور نداشته است. در این میان نقش مؤثر زیبایی بی‌نظیر و نجابت و مستوری بی‌بدیل ارینب نمایان می‌شود، به طوری که شنیدن وصف جمال و کمال وی کسی چون یزید را با آن همه زنان زیبا در اطراف او، مجنون و آشفته می‌کند.

ب) توصیفات اعتقادی

بخش دیگری از توصیفات این منظومه را می‌توان توصیفات دانست که بیانگر اندیشه‌های درونی و مبانی اعتقادی شاعر است؛ به عنوان مثال وقتی معاویه از ابودردا می‌خواهد که عزم مدینه کند و ارینب را برای یزید خواستگاری کند، تعبیری برای یزید به کار می‌برد که درخور توجه و تأمل است. شیوهٔ بیان ندیم را نمی‌توان جز اعتقاد قلبی وی چیز دیگری دانست:

« سعی در خطبهٔ ارینب کن آن قمر را به عقد عقرب کن »
(ب ۱۰۰۲).

ندیم با استفاده از اصطلاح نجومی قمر در عقرب و در قالب آرایهٔ تشبیه، ارینب را به ماهی شبیه می‌داند که اگر به تصاحب و تملک یزید درآید، نحوست به دنبال خواهد داشت. معاویه پسر خود را با بدترین صفات مورد خطاب قرار داده است و او را رذل‌ترین اولاد آدم می‌داند. ندیم از زبان معاویه حتی لفظ یزید را کلامی قبیح و در زمرهٔ الفاظ رکیک می‌داند:

« به چه لفظی تو را عتاب کنم جز یزیدت چه کس خطاب کنم »
(ب ۷۷۰).

در این توصیفات به خوبی می‌توان از لحن کلام ندیم، احساس بغض او را به عنوان مسلمان و شیعهٔ معتقد دریافت. وقتی این نسبت‌های مذموم و الفاظ رکیک دربارهٔ یزید بیشتر مؤکد می‌شود که از زبان پدرش معاویه باشد و ندیم مشهدی به خوبی از عهدهٔ این ظرافت بیان بر آمده است.

۴-۳-۲) آشنایی و ارتباط عاشق و معشوق

یکی از وجوه قابل بررسی در آثار غنایی، چگونگی عاشقی و شیفتگی قهرمان منظومه است. به تعبیر دیگر نقطهٔ عطف عاشقی یعنی شروع بی‌قراری قهرمان داستان در منظومه‌های غنایی متفاوت است. این دلدادگی گاهی با دیدن زیبایی ظاهری معشوق، گاهی با شنیدن اوصاف

کمال و جمال او و گاهی با دیدن تصویری از محبوب، رخ می‌دهد. در بررسی آثار غنایی همه این شیوه‌ها ذیل «عوامل حسی» در ایجاد عشق مطرح می‌شود (ر.ک؛ مدی، ۱۳۷۱: ۶۰-۳۱). منظومه ندیم مشهدی از این جهت با بسیاری از آثار غنایی متفاوت است؛ زیرا یزید که در کسوت عاشق ظاهر می‌شود، وصف ارینب را از زبان فرد خاصی نمی‌شنود، بلکه زیبایی بی‌نظیر این زن در افواه عوام افتاده و گوش به گوش به یزید می‌رسد. البته در این زمینه، توجه به چند نکته ضروری است:

- ندیم در سرودن این منظومه تا حدّ زیادی از حقیقت تاریخی الهام می‌گیرد و صحنه‌های زیبایی که سراینندگان منظومه‌های عاشقانه برای جذاب نمودن اثر خود به کار می‌برند، در این اثر محدود است.

- ندیم مشهدی در قالب بیان نوع عاشق شدن یزید و با ظرافت خاص، ساحت ارینب را از شائبه هر نوع طنّازی و خودآرایی و یا جلوه‌گری که مستلزم نداشتن حیا است، مبرا می‌داند. در حقیقت، زنی را به تصویر می‌کشد که در خانه خود مستور و عقیف است، اما صیت زیبایی او چون خورشید عالم‌گیر است:

«چون پری زاد از حیا مستور مثل خورشید در مثل مشهور»
(ب ۶۶۸).

آشنایی این عاشق و معشوق نیز مانند ویژگی‌های دیگری از این داستان، خاص است. عاشقی که از ابتدا تا انتهای روایت مانند عاشقان دیگر متون غنایی بی‌قرار و ناآرام است و از هیچ تلاشی برای وصال دریغ نمی‌کند، حتی در این راه از نیروهای شیطانی وجودش بهره می‌برد و به دستگیری پدر خود دست به فریب و ظاهرسازی می‌زند. تنها تفاوت یزید به عنوان عاشق با عاشقان بی‌قرار دیگر در غالب منظومه‌های غنایی^۱، نوع عشق اوست. مجنون برای رسیدن به لیلی از خود می‌گذرد، حتی وقتی نوفل برای یاری او با قبیله یار می‌جنگد، برای پیروزی حریف دعا می‌کند و با هیچ مکر و ترفند یا جنگ و جدالی موافق نیست. ورقه برای دستیابی به وصال معشوق دست به جنگ رویاروی و مردانه می‌زند. حتی خسرو در داستان نظامی برای جلب توجه شیرین و طلب وصال او، اگر چه از نظر اخلاقی کوششی نامطلوبی است، رقیبی چون شکر اصفهانی را وارد میدان می‌کند ... اما در هیچ یک از این داستان‌ها و نظایر آن عاشق صادق حاضر به آزار و فریب دیگری برای تصاحب معشوق نیست، به‌ویژه آنکه معشوق خود را متضرر کند.

چنان‌که بیان شد، در منظومه‌های عاشقانه دیگر، یا دل‌بستگی عاشق و معشوق نظیر رابطه لیلی و مجنون کاملاً دو سویه است که از دوران کودکی آنها به وجود می‌آید، در عنفوان جوانی شکوفا می‌شود و تا لحظه مرگ پاک و بی‌شائبه می‌ماند، و یا چون داستان خسرو و شیرین است که اگر چه شیرین ظاهراً با عشق خسرو تا پایان مخالفت می‌کند و عشق او را در قالبی مطهر و

مطلوب می‌پذیرد، اما در همان حال پنهان به عاشق خود عشق می‌ورزد و گاه به دستگیری ندیمان به دیدار خسرو می‌رود. اما در داستان ندیم اگر عشقی هست، تنها از سوی عاشق (یزید) است.

۵-۳-۲) جایگاه عاشق و معشوق در منظومهٔ ندیم

جایگاه ارینب به عنوان معشوق

حضور این زن زیبا و عقیف تنها در ابتدا و انتهای داستان ندیم است. مخاطب، حتی او را در جریان طلاق ابن‌سلام نمی‌بیند. در ابتدای منظومه با توصیف کاملی از زیبایی ظاهری و جمال باطنی، ارینب را برای اولین بار و به طور کامل می‌شناسیم. اما گویی مستوری و حیای ارینب بر نوع حضور او در داستان سایه افکنده است؛ زیرا در طول داستان نیز پشت پردهٔ الفاظ و حجاب روایت پنهان می‌ماند. ارینب هرگز یزید را ندیده است و زمانی که به عنوان یکی از سه خواستگار مطرح می‌شود، نظر مطلوبی نسبت به او ندارد. این مطلب در مقایسهٔ روایت ندیم با حکایت تاریخی ابن‌قتیبه آشکارتر می‌شود؛ زیرا حضور ارینب در آن جا نمود بیشتری دارد.

جایگاه یزید به عنوان عاشق

یزید در روایت ندیم، عاشق صادقی نیست؛ زیرا عشق او از سرِ هوای نَفَس است. عاشق حقیقی چه در منظومه‌هایی که رویکرد عرفانی و سمبلیک دارد و چه در منظومه‌های صرفاً غنایی، انسان صادقی است که اگر اشتباهاتی هم دارد - نظیر آنچه از خسرو می‌بینیم - در جهت جلب نظر معشوق است و این لغزش‌ها هم او را از حدود انسانی و کمالات اخلاقی آن اندازه دور نمی‌کند که به مرز ردالت و هوسرانی نزدیک شود. اما به هر روی اگر جایگاه یزید را به عنوان عاشق در نظر بگیریم، توصیفات ندیم جالب توجه و درخور تأمل است. زیباترین وجه این توصیف، تعبیراتی است که در بیان بی‌قراری یزید بیان می‌شود. ندیم با نظر به احوال عشاق سینه چاک متون غنایی از جمله مجنون و خسرو در آثار نظامی، به توصیفی بدیع با رویکردی منفی از عاشقی یزید، می‌پردازد. عاشقان آثار غنایی در حالت جنون، به دامن دشت و صحرا روی می‌آورند و همنشین درندگان و وحوش می‌شوند؛ به عنوان مثال، آنجا که نظامی به توصیف عشق و شیفتگی مجنون، فرهاد یا خسرو می‌پردازد، مخاطب با مضامینی چون سر به بیابان و صحرا نهادن، انس گرفتن با دَد و دیو و رویارویی با غولان و محیط رُعب‌آور بیابان‌ها مواجه می‌شود.^۱ اما در روایت ندیم مشهدی، بیابان، غولان و درندگان که باعث وحشت و ترس می‌شوند، از یزید که در حالت شیفتگی سر به بیابان نهاده، می‌هراسند:

«گاه چون گرگ در بیابان بود وحشت افزای جرگ غولان بود»

این در حالی است که بی‌قراری و سرگردانی مجنون به ابن‌سلام نسبت داده شده است: «سر به صحرا گذاشت چون مجنون رفت گمنام با دل محزون» (ب ۹۹۶).

عاشقی یزید در روایت ابن‌قتیبه متفاوت است. به طور کلی با آنکه او نقش یک عاشق را ایفا می‌کند، اما تلاش‌های معاویه و حیل‌های او و عمرو عاص نمود بیشتری دارد. او در ابتدای منظومه معرفی می‌شود و شرح بی‌قراری‌هایش بیان می‌گردد، سپس در جریان مکر و حیل پدرش گم می‌شود. بیشترین و آخرین حضور یزید در صحنه مناظره با معاویه است. در پایان داستان نیز یزید دیگر دیده نمی‌شود. این مطلب نیز از ویژگی‌های خاص این منظومه است. پایبندی ندیم به واقعیت تاریخی ماجرا و تأکید و تقید او به نشان دادن چهره کریه یزید در عشقی که در حقیقت هوس و کامجویی است، باعث این بروز ویژگی‌ها می‌شود.

جایگاه ابن‌سلام به عنوان عاشق

در توصیف احوال ابن‌سلام فضایی نظیر آنچه مولانا در داستان پادشاه و کنیزک درباره زرگر جوان روایت می‌کند، به ذهن متبادر می‌شود. در آنجا رسولان شاه برای فریب جوان زرگر و اغوا و اغراء او برای آمدن به دربار شاه، چنان ستایش و تمجید دروغینی نثار او می‌کنند که غره شده، مشتاقانه روی به دربار می‌آورد (ر.ک؛ مولوی، ۱۳۶۲: ۱۹۱-۱۸۶). در روایت ندیم نیز چون معاویه در صدد فریب ابن‌سلام برمی‌آید، به دستکاری عمرو عاص و درباریان خود، به مدح و ستایش بی‌وجه پرداخته و از این راه غروری در مرد بیچاره برمی‌انگیزند.

نکنه درخور تأمل دیگر، ماهیت عاشقی ابن‌سلام است. در تمایل او به دختر معاویه حبّ جاه و شیفتگی مقام، عاملی تأثیرگذار در جهت تقویت عشق معرفی می‌شود. بر اساس این توصیف، عشق ابن‌سلام هم آلوده به امیال دنیوی و شوائب نفسانی است:

«هوس جاه و منصب دنیا مبتلا در میان چند بلا
دل گرفتار شوق دامادی آرزومند دولت و شادی» (ب ۹۰۴-۹۰۳).

نتیجه‌گیری

داستان دل‌بستگی یزید بر ارینب، بر اساس ویژگی‌های غنایی که بررسی و اثبات گردید، یکی از نمونه‌های نادر متون عاشقانه فارسی است. اگر چه این داستان، در ظاهر متنی عاشقانه است، اما با متون غنایی دیگر، تفاوت دارد. این تفاوت هم در نوع نگرش به شیوه داستان‌پردازی سراینده مشهود است و هم در نگاه شاعر به جایگاه عشق. در حوزه ادبیات غنایی فارسی، کمتر می‌توان منظومه‌ای یافت که با هدف و رسالتی مقدّس و معنوی به نظم کشیده شده باشد.

روشن است که ماجراهای عاشقانه‌ای چون *لیلی و مجنون*، *خسرو و شیرین* و *وامق و عذرا* جاذبه‌های خاصی برای مخاطبان دارد. به همین سبب، شاعران بسیاری کوشیده‌اند این داستان‌ها را از منظری جدید به تصویر درآورند. اما در این میان جایگاه ندیم مشهدی از جهاتی ممتاز و قابل بررسی است؛ زیرا این شاعر معتقد با توجه به کشش و جاذبه قالب غنایی ادبیات فارسی بر آن است که از زاویه‌ای نو به داستانی عاشقانه بنگرد که هم بیانگر باورهای قلبی و اعتقادی او باشد و هم از مبحث عشق برای بیان اندیشه‌های خویش بهره گیرد. بنابراین، روایت ارینب از زبان ندیم را می‌توان گونه‌ای بدیع و ابتکاری نو در حوزه داستان‌های عاشقانه فارسی دانست که در تقسیم‌بندی متون غنایی به آن توجه نشده است. بر این اساس، توجه جدی به این مبحث در دسته‌بندی و تحلیل آثار غنایی ضروری می‌نماید.

وجوه ممتاز و متمایز این منظومه به تفصیل مورد اشاره و تحلیل قرار گرفت که برخی عبارت هستند از:

۱. این اثر در خدمت تبیین اندیشه‌های اعتقادی و دغدغه‌های مذهبی سراینده آن قرار گرفته است و با این وصف می‌توان آن را نمونه نادری از تلاقی مذهب و آثار بزمی به شمار آورد.
۲. داستان‌های عاشقانه در متون غنایی، معمولاً افسانه و برساخته ذهن خلاق سراینندگان یا مردمان عصر آنها هستند، اما این داستان بر اساس روایتی تاریخی و مستند سروده شده است.
۳. رویکرد چند وجهی این متن از وجوه شاخص آن است. منظومه ندیم را می‌توان متنی ادبی، غنایی، مذهبی و تاریخی دانست. شاعر مضمون بلند جوانمردی امام معصوم (ع) و همچنین ابهامی از تاریخ اسلام را در قالب داستانی عاشقانه تبیین می‌کند.
۴. شاید در نگاه نخست چنین به نظر آید که زکی مشهدی مانند دیگر هم‌عصران خود (قرن نهم تا قرن دوازدهم) در صدد انجام رسالت شاعرانه خود برای سرودن منظومه‌ای عاشقانه بوده است، ولی مشخص می‌شود که روایت این شاعر شیعی بیش از یک سنت ادبی و در صدد تبیین و القای اعتقادات قلبی و منویات درونی وی بوده است. در واقع، او با این شیوه تلاش می‌کند چون مسلمانی آگاه و شعورمند، یکی از ریشه‌های عداوت و کینه یزید با امام حسین (ع) را در همین واقعه بازیابی و تبیین کرده، با تمایز میان عمل وقیح یزید از اقدام به موقع امام (ع) که نشان از ذکاوت، سماحت و امانتداری اوست، به بزرگداشت ایشان بپردازد.
۵. معمولاً منظومه‌های غنایی فاقد جنبه تاریخی و بیشتر تفننی هستند، اما بر اساس بررسی و تحلیل روایت ندیم، ریشه‌های تاریخی و مستندی به دست می‌آید که تمایز آشکار این منظومه با غالب متون عاشقانه فارسی را فریاد می‌آورد.
۶. در تطبیق و تحلیل متن ادبی و تاریخی داستان، وجوه تفاوت مورد اشاره و بررسی قرار گرفت که نتایج حاصل بیانگر اشتراک کلی در مبانی اساسی ماجرا بود.
۷. در تحلیل وجوه غنایی متن نکاتی در خور تأملی به دست آمد که برخی مشترک میان اثر ندیم با دیگر متون غنایی و برخی وجوه شاخص این متن و خاص این شاعر شیعی است.

برخی از ابعاد غنایی خاص این داستان عبارت هستند از:

- عناصر مذهبی در ضمن داستان و در توصیفات و صحنه‌پردازی‌ها: مواردی نظیر خواستگاری توحیدی سلیمان نبی (ع) (ب ۱۰۴۵)، کاربرد عناصر و مضامین مذهبی مربوط به کربلا، نظیر محرم، حرم، مدینه، شام، کعبه، کربلا و بلا در تصویرسازی و بیان اوصاف ظاهری ارینب، به این مطلب برجستگی خاصی بخشیده است.

- نگاه دیگرگون به عشق: ندیم مشهدی به تفصیل و در جای جای منظومه به تعریف و تبیین مراتب عشق راستین و تمایز امیال پلید یزید از آن می‌پردازد. این بخش از اعتقادات و اندیشه‌های شاعر بسیار در خور توجه و شاخص است. وی در قالب حسن تعلیل‌هایی، عاشقی یزید را باعث دق و ننگ عشق معرفی می‌کند (عشق آن روز علت دق شد* که یزید پلید عاشق شد- ننگ عشق است عاشقی یزید).

- ویژگی‌های معشوق: در این مثنوی توصیف معشوق، بیش از آنکه وصف چشم و ابرو و گیسو باشد، بیان حیا و مستوری و جلالت ارینب است. این وصف نجابت، عفاف و حجاب از آغاز منظومه تا پایان، بارها پدیدار است. ارینب در روایت ندیم، زنی است بسیار زیبا، دارای کمالات اخلاقی و ادب و حیای فراوان که فرد هوسرانی چون یزید به دلیل شهرت زیبایی‌اش، سعی در تصاحب او دارد. در همین منظومه، جایی که شاعر به توصیف زیبایی دختر معاویه از زبان عمرو عاص می‌پردازد، مضمون کلامش توصیفات ظاهری است. اما آنچه در توصیف آوازه‌جمال ارینب می‌گوید در هاله‌ای از ستایش نجابت و علو قدر او مطرح می‌شود. در هیچ داستانی نظیر این توصیف، یعنی شهره بودن زیبایی معشوق را نمی‌بینیم. ندیم مشهدی در قالب بیان نوع عاشق شدن یزید و با ظرافت خاصی ساحت ارینب را از شائبه هر نوع طنازی و خودآرایی و یا جلوه‌گری که مستلزم نداشتن حیا است، مبرا می‌داند. در حقیقت، زنی را به تصویر می‌کشد که نه تنها در خانه خود مستور و عقیف است که در سرتاسر روایت هم در حجاب واژگان شاعر مستتر مانده است.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- نگارنده در مقاله‌ای با عنوان «عشق، عصمت و نبوت» به تفصیل این بحث پرداخته است.
- ۲- از حیث منشأ داستان «لیلی و مجنون»: عربی، «خسرو و شیرین»: ایرانی، «وامق و عذرا»: یونانی و «نیل و دمن»: هندی است. جهت شناخت کامل‌تر آثار غنایی و آگاهی بیشتر در این باب، یکی از بهترین منابع، مقالات و تألیفات حسن ذوالفقاری است.
- ۳- منظور تعدد منظومه‌های غنایی با موضوع داستان یوسف و زلیخا نیست؛ زیرا یک بررسی نشان می‌دهد که با استفاده از این داستان، نزدیک به نود اثر منظوم فارسی و ترکی به وجود آمده است (زوّاری و ذوالفقاری، ۱۳۸۸). «روایت‌شناسی قصه یوسف (ع) و زلیخا». کوشش‌نامه. سال دهم، شماره ۱۹. بلکه به منظور تنوع موضوعی داستان‌های غنایی غیر مذهبی است.

۴- «از کتابی که در جهان نامی است جامعش ابن حجت شامی است این خبر از کتاب مذکور است راویش از ثقات مشهور است» (ب ۵۵۸-۵۶۰).

۵- علمای اسلامی روایاتی را که همراه انحرافات و کژروی‌ها و انتساب کردارهای غیر قابل قبول به پیامبران است، اصطلاحاً «اسرائیلیات» می‌نامند. «داستان‌ها و گزارش‌های موسوم به اسرائیلیات دربارهٔ شماری از پیامبران، همواره یکی از زمینه‌های چالش‌برانگیز دربارهٔ عصمت آنان و انحراف اعتقادی برخی فرقه‌های اسلامی بوده است. در این میان، اهل‌بیت (ع) همواره در دفاع از عصمت انبیا و تنزیه آنان از نسبت‌های ناروا، به احتجاج با مخالفان پرداخته‌اند» (اسدی، ۱۳۸۹: ۴۶).

۶- «پی به حق برده ممکنات ز عشق می‌شود حل مشکلات ز عشق» (ب ۷۱۴).

۷- عشق شاه «جوانبخت» و یکی از پریان به نام «غمیره» در داستان سلیمان و بلقیس زلالی، عشق فرهاد بر شیرین در داستان خسرو و شیرین نظامی، عشق «بازغه» بر یوسف در داستان یوسف و زلیخای جامی.

۸- نمونهٔ این زنان زیبا و توصیف آنها «شکر اصفهانی» در داستان خسرو و شیرین نظامی یا «زینب» در حاشیهٔ داستان لیلی و مجنون است.

۹- اینجا منظومه‌هایی مورد نظر نگارنده است که صبغه‌ای کاملاً غنایی داشته، هدف سراینده صرفاً به تصویر کشیدن یک عشق باشد؛ زیرا داستان‌های عاشقانه‌ای که در ضمن آثار عرفانی - اخلاقی آمده می‌توانند بر اساس هدف نگارنده به هر گونه تصوّر و تصویر گردند؛ به عنوان مثال می‌توان به فریب زرگر در داستان مولانا برای تصاحب کنیزک اشاره کرد.

۱۰- نظامی در وصف بی‌قراری فرهاد چنین می‌آورد:

«گرفته کوه و دشت از بیقراری و زو در کوه و دشت افتاده زاری».

منابع و مأخذ

ابن قتیبۀ دینوری، ابی محمد عبدالله بن مسلم. (۱۳۶۳). *الإمامة و السیاسة*. قم: منشورات الشریف الرضی.

_____ . (۱۴۰۶ ق. / ۱۹۸۶ م.). *عیون الإخبار*. تصحیح

یوسف علی طویل. لبنان - بیروت: دارالکتب العلمیة.

اسدی، علی. (۱۳۸۹). «بررسی تحلیلی و تطبیقی روایت‌های داستان زن اُوریا و داود نبی (ع) با تأکید بر دیدگاه امام رضا (ع)». *معرفت ادیان*. سال اول. شمارهٔ سوم.

- حموی، تقی‌الدین ابوبکر. (۱۹۷۱م). *ثمرات الأوراق فی المحاضرات*. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. مصر.
- _____ . (۱۹۵۹م). *سقیفه خوشگو*. دفتر ثالث. مرتبه شاه محمد عطاء الرحمن. به نقل از دَرّ نجف.
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۷۴). الف. *منظومه‌های عاشقانه ادب فارسی*. تهران: نیما.
- _____ . (۱۳۷۴). ب. «ادب غنایی». *هستی*. شماره ۳.
- رحمانی، طاهره. (۱۳۷۹). *دَرّ نجف*. مرکز خراسان شناسی. انتشارات آستان قدس رضوی.
- سعدی، مصلح‌الدین. (۱۳۸۱). *بوستان*. تصحیح غلامحسین یوسفی. چاپ سوم. تهران: انتشارات خوارزمی.
- غلامرضایی، محمد. (۱۳۷۰). *داستان‌های غنایی منظوم*. چاپ اول. تهران: فردابه.
- قانع تنوی، میرعلی شیر. (۱۹۵۷م). *تذکره مقالات الشعر*. با مقدمه و تصحیح حسام‌الدین راشدی. چاپ کراچی.
- مدی، ارژنگ. (۱۳۷۱). *عشق در ادب فارسی*. چاپ اول. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- محمد قاسمی، حمید. (۱۳۸۰). *اسرائیلیات و تأثیر آن بر داستان‌های انبیاء*. چاپ اول. تهران: سروش.
- منزوی، احمد. (۱۳۴۸). *فهرست نسخه‌های خطی فارسی*. تهران: مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای.
- مولوی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۶۲). *مثنوی*. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- میرصادقی، جمال. (۱۳۶۴). *عناصر داستان*. تهران: انتشارات شفا.
- نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۷۸). *خسرو و شیرین*. تصحیح حسن وحید دستگردی. به کوشش سعید حمیدیان. تهران: نشر قطره.
- _____ . (۱۳۷۸). *لیلی و مجنون*. تصحیح حسن وحید دستگردی. به کوشش سعید حمیدیان. تهران: نشر قطره.
- یوسفی، غلامحسین. (۱۳۶۹). *چشمه روشن*. چاپ دوم. تهران: انتشارات علمی مشهدی، محمد زکی. *نسخه دیجیتال مثنوی تسبیح کربلا*. شماره نسخه: ۱۰۸۰ (در کلیات - گ ۱۲۷ - ۲۰۰). کتابخانه دیجیتال مجلس شورای اسلامی.
- پوده، آزاده. (۱۳۸۲). *تصحیح دیوان ندیم مشهدی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. همدان: دانشکده زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی همدان.